

# شاهنامہ فردوسی

متن کامل

(بر اساس چاپ مسکو)

به کوشش

دکتر سعید حمیدیان

## فهرست

کیقباد..... ۱۲۳	آغاز کتاب..... ۱
پادشاهی کی کاوس..... ۱۲۹	ستایش خرد..... ۱
رزم کاوس با شاه هاماوران.... ۱۵۵	گفتار اندر آفرینش عالم..... ۲
سهراب..... ۱۷۲	گفتار اندر آفرینش مردم..... ۲
داستان سیاوش..... ۲۰۱	گفتار اندر آفرینش آفتاب..... ۲
کیخسرو..... ۳۰۴	در آفرینش ماه..... ۲
داستان فرود سیاوش..... ۳۱۴	گفتار اندر ستایش پیغمبر..... ۲
داستان کاموس کشانی..... ۳۴۹	گفتار اندر فراهم آوردن کتاب..... ۴
داستان خاقان چین..... ۳۹۰	داستان دقیقی شاعر..... ۵
داستان اکوان دیو..... ۴۲۹	بنیاد نهادن کتاب..... ۵
داستان بیژن و منیژه..... ۴۳۳	ستایش سلطان محمود..... ۶
داستان دوازده رخ..... ۴۶۹	کیومرث..... ۷
جنگ بزرگ کیخسرو با افراسیاب..... ۵۳۷	هوشنگ..... ۹
اندر ستایش سلطان محمود... ۵۳۷	طهمورث..... ۱۱
پادشاهی لهراسپ..... ۶۲۱	جمشید..... ۱۲
پادشاهی گشتاسپ..... ۶۴۶	ضحاک..... ۱۷
سخن دقیقی..... ۶۴۶	فریدون..... ۳۱
سخن فردوسی..... ۶۷۴	منوچهر..... ۵۶
داستان هفتخوان اسفندیار.... ۶۸۸	پادشاهی نوذر..... ۱۰۱
داستان رستم و اسفندیار..... ۷۱۲	پادشاهی زوطهماسب..... ۱۱۶
داستان رستم و شغاد..... ۷۵۸	پادشاهی گرشاسپ..... ۱۱۸

## آغاز کتاب

کزین برتر اندیشه برنگذرد  
 خداوند روزی ده رهنمای  
 فروزنده ماه و ناهید و مهر  
 نگارنده بر شده پیکرست  
 نبینی مرنجان دو بیننده را  
 که او برتر از نام و از جایگاه  
 نیاید بدو راه جان و خرد  
 همان را گزیند که بیند همی  
 میان بندگی را ببایدت بست  
 در اندیشه سخته کی گنجد اوی  
 ستود آفریننده را کی توان  
 ز گفتار بی کار یکسو شوی  
 بژرفی بفرمانش کردن نگاه  
 ز دانش دل پیر برنا بود  
 ز هستی مراندیشه را راه نیست

### ستایش خرد

بدین جایگه گفتن اندر خورد  
 که گوش نیوشنده زو بر خورد  
 ستایش خرد را به از راه داد  
 خرد دست گیرد بهر دو سرای  
 وزویت فزونی وزویت کمیست  
 نباشد همی شادمان یک زمان  
 که دانا ز گفتار او بر خورد  
 دلش گردد از کرده خویش ریش  
 همان خویش بیگانه داند و را  
 گسسته خرد پای دارد ببند  
 تو بی چشم شادان جهان نسپری  
 نگهبان جانست و آن سه پاس  
 کزین سه رسد نیک و بد بی گمان  
 و گر من ستایم که یارد شنود  
 ازین پس بگو کافرینش چه بود  
 ببینی همی آشکار و نهان

بنام خداوند جان و خرد  
 خداوند نام و خداوند جای  
 خداوند کیوان و گردان سپهر  
 ز نام و نشان و گمان برترست  
 به بینندگان آفریننده را  
 نیاید بدو نیز اندیشه راه  
 سخن هرچه زین گوهران بگذرد  
 خرد گر سخن برگزیند همی  
 ستودن نداند کس او را چو هست  
 خرد را و جان را همی سجد اوی  
 بدین آلت رای و جان و زبان  
 به هستیش باید که خستو شوی  
 پرستنده باشی و جوینده راه  
 توانا بود هرکه دانا بود  
 از این پرده برتر سخن گاه نیست

[کنون ای خردمند وصف خرد  
 کنون تاچه داری بیار از خرد  
 خرد بهتر از هرچه ایزد بداد  
 خرد رهنمای و خرد دلگشای  
 ازو شادمانی وزویت غمیست  
 خرد تیره و مرد روشن روان  
 چه گفت آن خردمند مرد خرد  
 کسی کو خرد را ندارد زپیش  
 هشیوار دیوانه خواند و را  
 ازوئی بهر دو سرای ارجمند  
 خرد چشم جانست چون بنگری  
 نخست آفرینش خرد را شناس  
 سه پاس تو چشم است و گوش و زبان  
 خرد را و جان را که یارد ستود  
 حکیم چو کس نیست گفتن چه سود  
 توئی کرده کردگار جهان

- پادشاهی یزدگرد بزه گر ۹۲۴.....
- پادشاهی بهرام گور ۹۴۳.....
- پادشاهی یزدگرد ۱۰۱۵.....
- پادشاهی هرمز ۱۰۱۵.....
- پادشاهی پیروز ۱۰۱۶.....
- پادشاهی بلاش پیروز ۱۰۲۰.....
- پادشاهی قباد ۱۰۲۵.....
- داستان مزدک با قباد ۱۰۳۱.....
- پادشاهی کسری نوشین روان ۱۰۳۶.....
- پادشاهی هرمز ۱۱۵۸.....
- پادشاهی خسرو پرویز ۱۲۰۹.....
- پادشاهی شیرویه ۱۳۲۱.....
- پادشاهی اردشیر شپوری ۱۳۳۸.....
- پادشاهی فرابین ۱۳۳۹.....
- پادشاهی پوران دخت ۱۳۴۱.....
- پادشاهی آرم دخت ۱۳۴۲.....
- پادشاهی فرخ زاد ۱۳۴۲.....
- پادشاهی یزدگرد ۱۳۴۳.....

- پادشاهی بهمن اسفندیار ۷۶۸.....
- پادشاهی همای چهار زاد ۷۷۳.....
- پادشاهی داراب ۷۸۲.....
- پادشاهی دارای داراب ۷۸۶.....
- پادشاهی اسکندر ۷۹۹.....
- پادشاهی اشکانیان ۸۵۲.....
- پادشاهی اردشیر ۸۷۴.....
- پادشاهی شاپور اول ۸۹۳.....
- پادشاهی اورمزد ۸۹۶.....
- پادشاهی بهرام اورمزد ۸۹۹.....
- پادشاهی بهرام بهرام ۹۰۰.....
- پادشاهی بهرام بهرامیان ۹۰۱.....
- پادشاهی نرسی بهرام ۹۰۱.....
- پادشاهی اورمزد نرسی ۹۰۲.....
- پادشاهی شاپور ذوالاکتاف ۹۰۳.....
- پادشاهی اردشیر نکوکار ۹۲۲.....
- پادشاهی شاپور سوم ۹۲۲.....
- پادشاهی بهرام شاپور ۹۲۳.....

## مقدمه ویراستار و ناظر طبع

از میان چاپ‌هایی که از حدود یکصد و هشتاد سال پیش تا کنون با ارزش‌ها و چگونگی‌های گوناگون از اثر شگرف و بی‌همال فردوسی شده، به اقرار شاهنامه‌پژوهان عجلتاً هیچ یک از طبع‌های کامل شاهنامه (تأکید می‌کنم: طبع‌های کامل موجود) به پای شاهنامه چاپ مسکو (با وجود برخی ناهماهنگی‌ها و نارسایی‌هایی که در پیشگفتار روسی مرحوم ی. ا. برتلس بر کتاب نیز به آنها اشاره شده) نمی‌رسد و عملاً بیشتر پژوهش‌ها در زمینه شاهنامه بر اساس همین طبع صورت گرفته است. همچنین می‌دانیم که این متن از نظر نحوه و صورت چاپ، امروزه قدیمی تلقی می‌شود و حروف و چگونگی آرایش صوری آن نیز نه تنها فاقد جاذبه بلکه واجد دافعه برای شاهنامه‌خوانان است. و حتی غلط‌های رسم‌الخطی و فواصل ناسنجیده و نادرست میان کلمات و ترکیبات هم که موجب بدخوانی و غلط‌خوانی می‌گردد هم مزید بر علت.

چند سال پیش نشر قطره به کوشش این نگارنده چاپی کامل و همراه با حواشی و نسخه‌بدل‌ها از شاهنامه عرضه کرد که در آن اصلاحات و بهسازی‌های فراوان در زمینه‌های مختلف همراه با ترجمه تمامی توضیحات روسی حواشی و نیز مقدمه کامل روسی آن به دستداران فردوسی و اثر گرانسنگ او عرضه داشت که بسیار مورد لطف و حسن ظن علاقه‌مندان واقع شد.

از آنجا که بسیاری از خوانندگان شاهنامه که از دیدگاه تخصصی و پژوهشی به شاهنامه نمی‌نگرند و بیش و پیش از هر چیز به مطالعه متن این کتاب ارجمند رغبت نشان می‌دهند، و همچنین با توجه به این موضوع که این گروه از شاهنامه‌خوانان طبعاً نباید متحمل هزینه‌ای اضافی از بابت مقدمه برتلس، حواشی یا پی‌نوشت‌ها، پیوست‌ها و سایر ضمایم شاهنامه طبع اینجانب شوند، هم‌اکنون جهت رعایت حال آنان طبع حاضر شامل یک مجلد از شاهنامه (البته متن کامل) بدون حواشی و ضمایم از سوی نشر قطره و زیر نظر اینجانب به دستداران تقدیم می‌گردد.

در مورد ویژگی‌های این طبع به ذکری مختصر از چگونگی آماده‌سازی و طبع آن بسنده می‌کنم. ۱. از بهترین امکانات چاپی و مناسب‌ترین و خوشخوان‌ترین حروف موجود، پس از دقت‌ها و اصلاحات لازم، بهره‌گیری شده و مسؤولان محترم چاپ و سواس‌ها و مته به خشخاش‌گذاری‌های اینجانب را تحمل کرده‌اند.

۲. کلیه اغلاط چاپی مندرج در غلطنامه مجلدات طبع مینا (مسکو) اصلاح شده به نحوی که کتاب دیگر نیازی به افزودن غلطنامه نداشته باشد. گفتنی است طبع مینا به قدری پر غلط بوده که غلطنامه‌ای که اینجانب در متن کامل همراه با حواشی و ضمایم در انتهای هر یک از مجلدات نه گانه کتاب به دست داده چندین برابر غلطنامه‌ای است که مصححان چاپ مسکو بر هر مجلد افزوده‌اند.

بنابراین، خوانندگان گرامی می‌توانند حدس بزنند که متن حاضر تا چه حد درست‌تر و پیراسته‌تر از طبع میناست.

۳. در رسم الخط طبع مینا ناهماهنگی‌ها و حتی نادرستی‌هایی بسیار زیاد وجود داشت که اینجانب با رعایت حدود و موازین خاصی به رفع آنها اقدام کرده است، اگرچه کلیت نظام رسمی الخطی طبع مینا را به لحاظ رعایت امانت و عدم تصرف ناصواب در متن طبع مسکو حفظ کرده‌ام. برخی موارد اصلاح رسم الخط عبارت است از:

الف. «ب» و «ن» (هر دو پیشوند فعلی) به صورت نادرست یعنی جدا از فعل (به صورت «به» و «نه») نوشته شده بود که ما آنها را به فعل چسبانیده‌ایم تا از هر گونه التباس و غلط‌خوانی پرهیز شود. ب. اگرچه پیشوند «می» معمولاً متصل به فعل آمده اما «همی» را در مواردی که به فعل متصل بود جدا کرده‌ایم، مثلاً «همیگشت» را به صورت «همی گشت» نوشته‌ایم.

ج. در مواردی اجزای کلمه یا ترکیب را جدا و به همین روش هماهنگ کرده‌ایم، مثل درنگیتر / درنگی‌تر، از انسان / از ان سان، از ان پس / از ان پس، یکیک / یک یک، یکهفته / یک هفته، از ان جایگه / از ان جایگه، برینگونه / برین گونه، بیبها / بی بها، بیهوش (در مصرع: شده زار و بیمار و بیهوش و توش) / بی هوش، و نیز جانرا، دیدگانرا، جنگشانرا / جان را، دیدگان را، جنگشان را، سپهرا / سپه را و غیره. به عکس، در مواردی باید حروف به هم پیوندند، در حالی که جدا نوشته شده بود و ما پیوسته نوشتیم، مثل آب زن (ظرف وان مانند برای استحمام) / آبن، ستم کاره / ستمکاره، چنان چون / چنانچون و... از همین دست است کتابت فعل به صورت «دستبرد» در حالی که وجه اخیر اسم است و لذا ما به شکل درست آن یعنی «دست برد» نوشتیم تا خط‌خوانی نشود.

د. در موارد فراوان، رسم الخط متشتت بود، همچون آمدن حروف نقطه‌دار به صورت متفاوت، از قبیل اسب / اسپ، لهراسب / لهراسپ و نیز سایر کلمات مشتق از «اسب»، که ما همه را به صورت «پ» یکدست و هماهنگ کرده‌ایم. نیز کلماتی چون آنکه / انکه، آسمان / اسمان، که به شکل «آ» هماهنگ شده، و برعکس، کلماتی چون «افگند» که به غلط «آفگند» آمده بود که اصلاح شد.

گفتنی است اصلاحات مربوط به رسم الخط بسیار بیش از نمونه‌های یاد شده است لیکن جهت رعایت اختصار به همین موارد بسنده و خوانندگان علاقه‌مند را جهت اطلاع بیشتر به مقدمه این ویراستار بر طبع کامل او (چاپ پنجم، صص پنج تا هفت) ارجاع می‌کنیم.

ه. فواصل کلمات در چاپ اینجانب بسیار سنجیده‌تر و هماهنگ‌تر است.

۵. یک جلدی و لذا آسانتر بودن حمل چاپ حاضر، و سرانجام مرغوبتر بودن کاغذ چاپ حاضر نسبت به اصل چاپ مسکو را نیز باید از مزایای آن برشمرد.

در خاتمه، از جملگی عزیزان دست‌اندرکار چاپ حاضر به سبب زحماتشان سپاسگزارم.

والله الموفق

سعید حمیدیان

زمستان ۱۳۸۱ خورشیدی

## فردوسی

درباره سال تولد و وفات فردوسی اطلاعات دقیق و موثقی در دست نیست، و از بعضی اشارات او در ضمن شاهنامه می‌توان به حدس دریافت که وی در حدود ۳۲۹ یا ۳۳۰ هـ ق متولد شده است. زادگاه وی ده باژ (یا فاز) از دهات طایران طوس بوده، و در قدیمترین مأخذ موجود در باب حیات وی (چهار مقاله عروضی) به این نکته تصریح شده است. او از خاندان دهقانان و از ایرانیان اصیل عصر خویش بوده، و دلبستگی وی به آفرینش شاهنامه برخاسته از این پیوند روحی و تربیت خانوادگی اوست، زیرا در روزگار وی، خاندانهای دهقانان کوشش بسیاری داشته‌اند تا سنتها و مآثر نژادی خود را در برابر ارزشهای جدیدی که اسلام به محیط زندگی ایشان آورده بود حفظ کنند. فردوسی، چنانکه از اشارات او در شاهنامه بر می‌آید، و نیز به قراین خارجی که از وضع زندگی دهقانان در آن عصر در دست هست، زندگانی مرفه و آسوده‌ای داشته، و به قول نظامی عروضی «شوکتی تمام داشت، چنانکه به دخل آن ضیاع از امثال خود بی‌نیاز بود»، ولی، بر اثر گذشت زمان و صرف سرمایه خویش در راه اتمام شاهنامه، و از طرف دیگر ضعف عمومی وضع زندگی دهقانان - که در طول زمان از موقعیت باستانی خویش تنزل کرده به صورت افرادی کم بضاعت در می‌آمدند - در اواخر عمر تنگدست بوده است، و این نکته از چند جای شاهنامه به خوبی دانسته می‌شود، و نیز دانسته می‌شود که این تنگدستی شدید بوده است، زیرا از نوع آرزوهایی که در این ایام دارد به خوبی می‌توان به مجال تنگ زندگانی او